



# جامعہ قرآن و ہنر و ادب کوی

حجت الاسلام احمد لقمانی

« فضل القرآن علی سایر کفضل القرآن علی خلقه » (۲)؛ برتری قرآن بہ دیگر سخنان مانند برتری خداوند بر مخلوق خداست.

از این رو تفاسیر بسیاری بر قرآن نگاشته شدہ است، اما تفاسیر گذشتہ و تفاسیر معاصر، توان بیان تمام عیار و درک کلی آیات را نداشتہ اند. بدین خاطر این کتاب را ہرگز نمی توان و نباید با دیگر کتاب ہا مقایسہ کرد.

تاریخ اسلام بیانگر آن است کہ قرآن در عرصہ ہای مختلف زندگی مسلمانان در چہارہ قرن گذشتہ ظہور و نفوذ داشتہ است، همانند عرصہ ہای:

۱. روحی و معنوی.
۲. علمی و اجتماعی.
۳. علمی و نظری.

بہ نظر می رسد جلوی علمی و نظری،

آیا قرآن از پاسخکوی بہ ہمہی پرسش ہا برخوردار است؟ این پرسش از دیر باز برای بسیاری از صاحبان خرد و اندیشہ مطرح شدہ است کہ آیا در قرآن سخن از علوم روز، همچون جامعہ شناسی، روان شناسی، فیزیک، شیمی، ریاضی، جبر و ... مطرح شدہ است؟ از ورزش، فنون مختلف و امور ہنری چطور؟ آیا بنا بر آیہ « تبیاناً لکل شیء » (۱)؛ قرآن بیانگر ہر چیزی است، می توان وجود چنین علمی را در قرآن انتظار داشت؟

در پاسخ باید گفت؛ قرآن کریم چون دریایی بسیار پهناور، بلکہ اقیانوس بی انتہاست کہ عمقی بسیار و گسترہ ای فراوان دارد و بنا بر گفتار معصومان علیہم السلام:

**ب: جامعیت قرآن در بیان کلیات و ارزش‌ها:**

صاحبان این نظریه، قرآن را در محدوده توصیف جهان بینی، عقاید و ارزش‌ها، جامع می‌دانند و معتقدند طرح مسائل علمی با قدسی بودن قرآن، سازگار نیست.

اینان اکمال دین را تبیین کامل امور معنوی و آخرتی و واگذارن علوم انسانی و تجربی، همچون شیوه حکومت بر مردم می‌دانند و دلیل خود را افزودن سنت رسول خدا ﷺ، توجه به سیره امامان علیهم‌السلام و توسل به اجتهاد در کنار قرآن می‌دانند و بر این اساس قرآن را کتابی غیر کامل تلقی می‌کنند که با سنت بیانگر، دین الهی است و کامل می‌شود.

به یقین این دیدگاه نمی‌تواند درست باشد، زیرا قدسی بودن قرآن ارتباطی با طرح مسائل علمی در راستای هدایت انسان‌ها و تربیت نفوس ندارد و از آن سو نقدپذیری به دینی بودن موضوع آسیب وارد نمی‌کند، چنانکه احکام شرعی به واسطه عنصر اجتهاد همیشه در معرض انتقاد قرار دارند. علاوه بر این سخنان، مسائلی چون سنت رسول خدا ﷺ و سیره ائمه علیهم‌السلام و اجتهاد از پایه‌های جامعیت قرآن به شمار می‌آیند که از متن این کتاب مقدس الهام گرفته‌اند.

توجه به این آیات بیانگر صحت این

پرسش درباره «جامعیت قرآن» را در اندیشه برخی پدید آورده است. آنچه مورد اتفاق اندیشمندان و صاحب نظران قرار گرفته است «جامعیت قرآن» است اما در چگونگی، کیفیت و مقدار و گستره این جامعیت، دیدگاه‌های مختلفی ارائه شده است که به انواع زیر تقسیم می‌شود:

**الف: جامعیت قرآن در همه علوم گذشته و آینده:**

بسیاری بر این باورند که قرآن در بردارنده‌ی همه علوم نخستین و واپسین است و تمامی مسائل جزئی و کلی و حتی بسیاری دیگر از موضوعات مانند شیمی، فیزیک و ... را شامل می‌شود. اینان قرآن را جامع قوانین علوم نظری و تجربی دانسته و دلیل خویش را «و نزلنا علیک الكتاب تبیانا لکل شیء» «و ما نازل کردیم بر تو کتاب را [که] بیانگر هر چیزی است.» بیان می‌کنند.

اسکندرانی، طنطاوی، ملامحسن فیض کاشانی و ابن کثیر صاحبان این نظریه هستند.

در یک نگرش می‌توان به این تحلیل دست یافت که در ظواهر آیات قرآن، اموری چون مسایل دقیق و جزئی ریاضی، شیمی، فیزیک و ... به صورت شفاف بیان نشده است، ولی این دانش‌ها را در مراتب گوناگون معانی و مفاهیم قرآن یافت می‌شود.

سخن است :

«ما آتاكم الرسول فخذوه و ما نهاكم عنه فانتهوا» (۳)

آنچه را رسول خدا به شما داد، بگیرید و از آنچه شما را بازداشت، باز ایستید. «اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منکم» (۴)

خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیاء امر خدا را نیز اطاعت کنید.

«اما وليکم الله و رسوله و الّذین آمنوا» (۵) ولی شما خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند.

«و لکم فی رسول الله اسوه حسنه» (۶) و برای شما در پیروی از رسول خدا، سرمشقی نیکو است.

«و ما کان المؤمنون لیفرّوا کافه فلولاً نفر من کل فرقه منهم طائفه لیفقیهوا فی الدّین» (۷)

شایسته نیست مومنان همگی (برای جهاد) کوچ کنند. پس چرا از هر فرقه‌ای از آنان به دسته‌ای کوچ نمی‌کنند تا (دسته‌ای بمانند) و در دین آگاهی پیدا کنند.

و در احادیثی همانند :

«ائی تارك فيکم الثقلین کتاب الله و عترتی، اهل بیتی ما ان تمسکتم بهما لن تضلّوا ابدا و

اُتھما لن یفترقا حتّی یردا علیّ الحوض» (۸) همانا من در بین شما، دو چیز گرانبها به یادگار گذاردم : کتاب خدا و عترت خود که اهل بیت من هستند و اگر پس از من به آن دو چنگ زنید، گمراه نخواهید شد و آن دو از هم جدا نمی‌شوند تا با هم به حوض (بهشت) وارد شوند.

آری: ترسیم مفاهیم قرآن و اهل بیت علیهم السلام به عنوان قرآن ماست و قرآن ناطق، دلیلی روشن بر رد سخنان این گروه است که از سر جهالت یا غفلت بیان می‌شود.

۳- جامعیت قرآن در بیان کلیات، اصول و قواعد ارزشی و بیان روشنگر برخی از روش‌های سرنوشت‌ساز و هدایت‌آفرین :

صاحبان این نظریه بر این باورند که قرآن اصول و ارزش‌هایی را مطرح کرده است که می‌توان براساس آن، نظام حقوقی، سیاسی، اجتماعی و پیام‌های ارزشی مبتنی بر یک مکتب روان‌شناسی و جامعه‌شناسی را استخراج کرد. از این رو قرآن از زاویه‌ی خاصی بیانگر همه چیز است (تبیانا لکل شیء) اما هرگز در خصوص تک گزاره‌های آن سخن مطرح نمی‌کند و در جهت اثبات یا نفی قاعده‌ای،



موضعگیری نمی‌نماید.

علامه طباطبائی (ره) که خود از مفسران روشن اندیش قرآن محسوب می‌شود، در تفسیر المیزان می‌فرماید: «آنچه ملاک است و کوتاهی را از جانب قرآن منتفی می‌سازد، این است که قرآن تمام مطالب لازم را در حوزه‌ی هدایت و سعادت همراه دارد و در این زمینه از هیچ کوششی فروگذار نکرده است.» (۹)

عالم فرزانه، حضرت آیه الله حسن زاده آملی، جامعیت را براساس فهم زبان قرآن و ذوب‌طون آن معنا کرده و می‌نویسد:

کلمه‌ی مبارکه «کُلُّ شَیْءٍ» چیزی را فروگذار نکرده است، پس چیزی نیست که قرآن تبیان آن نباشد، ولی قرآن در پس انسان، زبان فهم، «تبیان کل شیء» است. این انسان زبان فهم راسخ در علم است. (۱۰)

**دلایل جامعیت قرآن:**

«آیات الهی» نخستین دلیل جامعیت قرآن است که گاه با واژه «تبیان و تفصیل» آمده است، همانند آیه ۸۹ از سوره‌ی نحل و گاهی اسلام و «دین جهانی» معرفی شده است، همچون آیه ۱۰۷ سوره انبیا که مستلزم تأمین نیازهای مختلف زندگی است و زمانی فرمان‌های قرآن را جاودانه معرفی می‌کند، مثل آیه یک سوره فرقان که استمرار ابدیت؛ لازمه پاسخگویی به

تمام نیازهای انسان در زندگی فردی و اجتماعی برای تحقق هدایت و سعادت است. الف: روایاتی که با واژه (تبیان و تفصیل) قرآن را وصف می‌کند همچون سخنان امام صادق علیه السلام که فرمودند «سخنان معصومان» دلیل دوم بر جامعیت قرآن است که به سه دسته تقسیم می‌شود:

«خداوند متعال هر چیزی را در قرآن بیان کرده است. به خدا سوگند، قرآن همه نیازمندی‌های مردم را آورده تا کسی نکوید کاش این موضوع در قرآن بود.» (۱۱)

و یا گفتار امام رضا علیه السلام که:

«خداوند پیامبر خود را قبض روح نفرموده مگر آن که دین او را کامل ساخت و قرآن را بر او نازل فرمود که در آن تفصیل هر چیزی وجود دارد.» (۱۲)

ب: احادیثی که قرآن را منبع و محل مراجعه معرفی می‌کند. مانند این سخن امام باقر علیه السلام که فرمود: «بی‌تردید خداوند متعال چیزی که امت نیاز دارد، رها نساخته و در کتاب خود فرو فرستاده است.» (۱۳)

جامعیت و گستره‌ی علوم قرآنی در گفتاری گرانسنگ از امام صادق علیه السلام این چنین ترسیم شده است: «هرچه که دو تن در آن اختلاف دارند، ریشه‌اش در کتاب خدا موجود است، اما عقل مردم به آن نمی‌رسد.» (۱۴)

هرچه که دو تن در آن اختلاف دارند،



ریشه‌اش در کتاب خدا موجود است، اما عقل مردم به آن نمی‌رسد. (۱۴)  
 ج: روایاتی که همه دانستنی‌های لازم تا قیامت را در قرآن می‌داند. همانند سخن حضرت علی علیه السلام که فرمود: «آگاه باشید! دانستنی‌های گذشته و آینده تا روز قیامت در قرآن آمده است.» (۱۵)

مسأله‌ای بدون پاسخ نباشد. «برهان لطف» که بیانگر لطف الهی در حفظ مسلمانان از سردرگمی و سرخوردگی است، دومین برهان عقلی است و «برهان تکامل دین» که در آن اساس ملاک‌های عقلی و نقلی دین اسلام متکامل‌ترین ادیان به شمار می‌رود، پس باید هر مسأله‌ای را بیان کند، دلیل سوم است.

آخرین سخن، نظر به معیارهای جامعیت قرآن است که در آن به فطرت انسانی، سهولت و انعطاف‌پذیری در تعلیمات، توان پاسخ به پرسش‌های بشر، شایستگی همگانی و جاودانگی، همسویی با انسان، همگونی اجرای دین، نگاه همه جانبه، فراروزی و آینده نگری، عقلانی بودن آموزه‌ها و توجه به نفقه و اجتهاد می‌توان اشاره کرد.



### برهان عقلی:

سومین دلیل از دلایل جامعیت قرآن، برهان عقلی است که در آن، «برهان خاتمیت» به عنوان اولین برهان عقلی وجود دارد. به این بیان که راز خاتمیت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در چگونگی رهنمودها و مقررات و شیوه طرح آنها نهفته است و پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله باید طرحی جامع و فراگیر ارائه دهد که در آن هیچ حکمی و

### پی نوشت‌ها:

- ۱- نحل/ ۷.
- ۲- بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۱۹.
- ۳- جنس/ ۷.
- ۴- نساء/ ۵۹.
- ۵- مائده/ ۵۵.
- ۶- احزاب/ ۲۱.
- ۷- توبه/ ۱۲۲.
- ۸- بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۰۰.
- ۹- تفسیر المیزان، ج ۱۷، ذیل آیه ۳۷ سوره انعام.
- ۱۰- انسان و قرآن، ص ۹.
- ۱۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۵۹.
- ۱۲- همان
- ۱۳- همان
- ۱۴- همان
- ۱۵- نهج البلاغه، خطبه ۱۵۸.